

بررسی تاثیر سبک زندگی ساکنین ایران پیش از اسلام بر کالبد و معنای چهارطاقی

مجید رستمی قلعه لانی^{۱*}، الهام بختیاری منش^۲

۱- مربی گروه معماری دانشگاه رازی کرمانشاه، M.Rostami@razi.ac.ir

۲- استادیار گروه معماری دانشگاه رازی کرمانشاه، elham_bakhtiari@yahoo.com

چکیده

این پژوهش بر آن است که تاثیر نسبی سیر تحول سبک زندگی ساکنین ایران زمین را بر معنای یکی از مهمترین مکان های ایجاد شده توسط آنها یعنی چهارطاقی بررسی کند. به این ترتیب سوال این است که؛ سیر تحول در سبک زندگی ایرانیان پیش از اسلام، چگونه بر کالبد و به تبع معنای چهارطاقی به عنوان مکان ستایش آتش تاثیر گذاشته است؟ هدف از پیگیری این موضوع اول آن است که مصداقی در تأیید هر چه بیشتر تناظر نسبی میان شیوه ی زندگی و شکل کالبد معماری به خصوص در نحوه ی ارتباط درون و بیرون اثر معماری ارائه گردد و دوم راه تعمیق در علت های احتمالی تحول شکلی بنایی همچون چهارطاقی گشوده شود. روش پژوهش، ترکیبی از روش تفسیری- تاریخی، مورد پژوهی و در نهایت استدلال منطقی است.

با بررسی انجام شده مشخص می گردد در زمان هایی که زندگی ایرانیان بیشتر به طبیعت وابسته بوده، مکانی طبیعی، کاملاً باز، بدون دیوار و سقف، قرار گرفته در ارتفاع برای ستایش آتش «انتخاب» می شده است. حتی زمانی هم که نیاز به «ساخت» مکانی به این منظور بوده، کالبد چهارطاقی با گشایش به چهار سو بر پا شده که ارتباطی افقی میان درون و بیرونش برقرار است. چنین بنایی، که گونه ی اصلی و تغییر نایافته ی چهارطاقی است، انسان مقیم در درونش را در ارتباط نزدیکی با منظر پیرامون و عناصر طبیعی قرار می داده است. در مقابل در زمان هایی که شیوه ی زندگی در ایران زمین کمتر وابسته به طبیعت بوده، تجارت و شهرنشینی غالب گشته و یا خوانش دین انحصاری تر شده است، کالبد چهارطاقی به تناسب بسته تر شده و زمینه را برای خلوت کردن انسان در درون و بریده شدن از عالم واقع یا مکان طبیعی فراهم نموده است.

واژه های کلیدی: سبک زندگی، ساکنین ایران، پیش از اسلام، چهارطاقی، درون، بیرون، مکان طبیعی

۱- مقدمه

مکان ها، نمادهایی از شیوه ی نگرش انسان های سازنده شان به هستی هستند. بر این اساس مجموعه ای پیچیده شامل شیوه ی معیشت، وجوه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره یک قوم بر تعریف مکان نزد آن قوم موثر است. از سوی دیگر و از آنجا که مکان از طریق مرز یافتن، تعریف می شود، مرزهای مکان در تعیین معنای مترتب با آن نقش کلیدی دارد؛ میزان باز یا بسته بودن مرزهای یک مکان، شکل این مرزها و جهت گیری آنها، وجوه زیادی از معنای آن مکان را آشکار می سازد. اصلی ترین این معنای میزان و نحوه ی ارتباط درون بنا با بیرون یا به عبارتی ارتباط بنا با مکان طبیعی اش است. در این صورت می توان بخشی از معنای زندگی نزد انسان ها به خصوص برخورداردی که با مکان طبیعی داشته اند را در چگونگی تفکیک مرز مکان هایی که می سازند یافت؛ مکان های بسته، تفکیک شده تر از بیرون و نماینده ی تمایل به ارتباط کمتر با عرصه ی بیرون اند در حالی که مکان های باز کمتر تفکیک شده اند و تمایل به ارتباط داشتن با بیرون را می رسانند. مرزهایی که در جهت افقی